

ادبیات شاهنامه پژوهی
کاری از نشر نگاه معاصر

زُروان

در حماسه ملی ایران

حمیدرضا اردستانی رستمی



زُروان در حماسه ملی ایران

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

سرشناسه	: اردستانی رستمی، حمیدرضا، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: زُرّوان در حماسهٔ ملی ایران / حمیدرضا اردستانی رستمی.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۸ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-7028-04-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: چاپ پیشین: نشر و پژوهش شیرازه کتاب، ۱۳۹۴.
موضوع	: زُرّوان (ایزد زردشتی)
موضوع	: Zurvan (Zoroastrian deity)
موضوع	: زُرّوانی‌گری در ادبیات.
موضوع	: Zurvanism in literature*
موضوع	: زردشتی.
موضوع	: Zoroastrianism
رده‌بندی کنگره	: BL ۱۵۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۵
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۵۹۲۰۵۵۶

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

زُروان در حماسه ملی ایران

حمیدرضا اردستانی رستمی

زُروان در حماسهٔ ملی ایران

حمیدرضا اردستانی رستمی

نگاه‌نامه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسَم الرسام

ویراستار: معصومه رمضان‌ی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۹

شمارگان: ۷۰۰

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۰۴-۱

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

■ nashr_negahemoaser

پیشکش استاد
دکتر جلیل دوستخواہ

تأملی دیگر - زُزوان

... ای لحظه! ای جاری
که نبود و نیست
و نخواهد بود هم هرگز
هیچ جایی از تو خالی، با تو بیگانه
در تصور نیز حتی، هیچ!
این تواند بود چیزی را و جایی را
از هوا، از نور، خالی کردن و تاریک
لیک نتوان از تو خالی کرد
هیچ چیز و هیچ جا را، بی گمان، زُزوان!
... ای همه، ای هیچ!
ای بهشت و دوزخ با هرچه هر جا تو آمان، زُزوان!
ای شگفت‌انگیز ناباور!
بیم و بُهت آور
ای چه می دانم چه گویم، ای همان، زُزوان!

گفتار نما

□ پیش گفتار..... ۱۳

بخش نخست

- ۱۷..... زُزوان و زُزوان‌گرایی در فرهنگ ایران
- ۱۹..... ۱. یگانه‌پرستی و دوئین‌گرایی
- ۱۹..... ۱.۱. دومینوی هم‌زاد
- ۲۰..... ۲.۱. اهورامزدا: بانی نیک و بد
- ۲۰..... ۳.۱. اهورامزدا: جانشین سپندمینو
- ۲۱..... ۴.۱. کیومرثیه
- ۲۱..... ۵.۱. زُزوانیه
- ۲۵..... ۲. زُزوان و کیش زُزوانی در ادوار باستانی ایران
- ۲۵..... ۱.۲. دوره هخامنشی (۵۵۰ پ.م - ۳۳۰ پ.م)
- ۲۹..... ۲.۲. دوره اشکانی (۲۵۶ پ.م - ۲۲۴ م)
- ۳۰..... ۳.۲. دوره ساسانی (۲۲۶ م - ۶۵۱ م)
- ۳۷..... ۳. زُزوان نر- ماده: زاینده هر مزد و اهریمن
- ۳۸..... ۱.۳. اسطوره زُزوان
- ۳۹..... ۲.۳. جنسیت زُزوان
- ۴۰..... ۳.۳. پیکر زُزوان و نمادشناسی آن
- ۴۵..... ۴.۳. دوئین بایسته گیتی

۴. اندیشه زُزوانی و کیش مانی ۵۰
- ۱.۴. زُزوان: خدای برتر و خاستگاه همه چیز ۵۰
- ۲.۴. هرمزد شکست یافته، اهریمن پیش دانش ۵۲
- ۳.۴. باورهای گنوسی ۵۴
۵. زُزوان و زُزوان‌گرایی در اوستا ۵۹
- ۱.۵. خاستگاه زُزوانی ستیز آذر و اژی ۶۰
- ۲.۵. خاستگاه زُزوانی جدایی پیام‌بری و شهریار در داستان جمشید و نذیرداد ۶۲
۶. زُزوان و زُزوان‌گرایی در متن‌های پهلوی ۶۴
- ۱.۶. jud-bēš: هرمزد زُزوان ۶۴
- ۲.۶. جانِ جهانیان، زُزوان و نوروز ۶۵
۷. زُزوان و زُزوان‌گرایی در عرفان ۶۸
- ۱.۷. وقت: بنیان خیر و شر ۷۰
- ۲.۷. تقدیرکنندگی شمشیر زمان ۷۲
- ۳.۷. اهریمن‌گرایی عرفانی - زُزوانی ۷۴
۸. زُزوان‌گرایی ایرانی امروز ۷۷
۹. پی‌نوشت‌های بخش نخست ۷۹

بخش دوم

- زُزوان و نمادهای زُزوانی در ذهن و اثر فردوسی ۱۰۳
۱. یگانگان پدیدآورنده دوگانگی ۱۰۵
- ۱.۱. طهمورث: آرتواز و شهناز ۱۰۶
- ۲.۱. آبتین: فریدون، کتایون و برمایه ۱۰۷
- ۳.۱. فریدون: ایرج، سلم و تور ۱۰۷
- ۴.۱. زال: رستم و شغاد ۱۰۸
- ۵.۱. پشنگ: آغریرت، افراسیاب و گوسویوز ۱۱۱
- ۶.۱. لهراسب: زریرو گشتاسب ۱۱۳
۲. بُن یک‌سان خیر و شر و نفی مبدأ سببیت ۱۱۵
۳. زمان، سپهر و وای: هست‌کنندگان تقدیرگر و مرگ‌آفرین ۱۲۲

- ۱.۳. زمان: داورداوران و برتر از آتش و زمهریر ۱۲۳
- ۱.۱.۳. واژهٔ زمان (زندگی و مرگ) ۱۲۵
- ۲.۱.۳. تصویر زمان (تیزچنگ اژدها) ۱۲۶
- ۲.۳. سپهر نافر سودنی: دردبخشِ درمان‌گر ۱۲۸
- ۳.۳. وای: تیغِ بخت ۱۳۰
- ۴.۳. جبرگرایی ۱۳۵
۴. دیرمانی شَر ۱۳۷
- ۱.۴. کدخدایی هفت اباختر بر دوازده اختر ۱۳۸
- ۲.۴. چیرگی ریمن‌آهرمن پیش دانش بر گیومرت پس دانش ۱۳۹
- ۳.۴. دیرندگی حکومت شیرانهٔ ضحاک تازی ۱۴۰
- ۴.۴. افراسیاب: شریر شتابنده ۱۴۲
- ۵.۴. تداوم حکومتِ شیران، پادافره مصلحان ۱۴۴
- ۶.۴. شَرآفرینی کی خسرو ۱۴۶
۵. آرزو: ابزار اهریمن ۱۴۸
- ۱.۵. آرزو: لازمهٔ ویران‌گر هستی ۱۵۳
- ۲.۵. ضحاک: نماد آرزو ۱۵۳
- ۱.۲.۵. ضحاک: لازمهٔ هستی و ویران‌گر آن ۱۵۵
- ۲.۲.۵. ضحاک و جنسیتِ دوگانه‌اش ۱۵۷
۶. زن و شاه تاریکی ۱۶۱
- ۱.۶. هم‌سانی زن و مرد در روایت آفرینش زردشتی ۱۶۳
- ۲.۶. زن و عصر سنگ ۱۶۳
- ۳.۶. زن و ایزدبانوان ۱۶۴
- ۴.۶. زن، زمین و گیتی ۱۶۴
- ۵.۶. زن سروری ۱۶۵
- ۶.۶. تفاوت بنیادین نظام زن‌سروری و پدرسالاری ۱۶۵
- ۷.۶. بازتاب زن‌سروری در شاهنامه ۱۶۶
- ۸.۶. مردسالاری و عصر آهن در تاریخ ۱۶۹
- ۹.۶. مردسالاری و عصر آهن در شاهنامه ۱۷۰

- ۱۷۲.....۱۰.۶. زُزوان، عصر آهن و مردسالاری در تاریخ
- ۱۷۳.....۱۱.۶. چیرگی نمادین مرد بر زن در تصویر زُزوان
- ۱۷۴.....۱۲.۶. زن: یاری گِراهریمن و وسیلهٔ مردآفرینی در متن های پهلوی زُزوان گرا
- ۱۷۵.....۱۳.۶. مردسالاری زُزوانی در شاهنامه
- ۱۷۵.....۱.۱۳.۶. زن: ابزار سیاسی (پیوند اهریمن و زن)
- ۱۸۴.....۲.۱۳.۶. زن: وسیله ای برای مردآفرینی
- ۱۹۰.....۷. گیتی: مادری شیرین
- ۱۹۱.....۱.۷. انسان: مقهور و مغلوب اهریمن
- ۱۹۲.....۲.۷. اضلاع دیوی جهان
- ۱۹۳.....۳.۷. مادینه جهان
- ۱۹۴.....۴.۷. سپهر، گیتی و بدینی
- ۱۹۶.....۸. مرد هر مزد - اهریمنی
- ۱۹۹.....۹. هر مزد حاکم مینو، اهریمن شاه گیتی
- ۲۰۲.....سخن پایانی
- ۲۰۴.....پی نوشت های بخش دوم
- ۲۳۷.....□ کتاب نما

پیش‌گفتار

مجموعه پیش‌رو که زُوان در حماسه ملی ایران نام گرفته است، در دو بخش جداگانه، اما در پیوند با هم، به علاقه‌مندان فرهنگ ایرانی و به ویژه دوست‌داران شاهنامه پیش‌کش می‌شود. در بخش نخست، در قالب هشت گفتار به ایزد زُوان و زُوان‌گرایی در تاریخ و فرهنگ ایران، از ادوار باستانی تا عهد اسلامی پرداخته شده است. در بخش دوم نیز در نه گفتار، نمودهای زُوانی در ذهن فردوسی و شاهنامه‌اش که یادگاری است از روزگار نخست، آشکار شده است.

بیان این نکته در پیش از هر سخنی بایسته است که نگارنده به پی‌روی از شناسندگان و پژوهندگان تاریخ ادیان ایرانی، اندیشه زُوانی را مذهب یا اندیشه‌ای منشعب از دین زردشتی می‌داند؛ اگرچه تفاوت‌هایی میان این دو باور دیده می‌شود و همین مرز میان آن‌ها است؛ به این معنی که اگرچه در هر دو، عمر جهان دوازده هزار سال است، در اندیشه زُوانی برای نه هزار سال به طور مطلق، پیروزی با اهریمن است و شر دیرندگی دارد؛ اما در باور زردشتی، پیروزی و شکست برای هرمزد و اهریمن به تناوب شکل می‌گیرد. در دین زردشتی، انسان دارای اختیار است؛ در حالی که در باور زُوانی، زُوان تقدیر مردمان و موجودات را تعیین می‌کند. در اندیشه زُوانی، بدینی به جنس زن دیده می‌شود و زن یاری‌گراهریمن است که البته در متن‌های زردشتی نیز به زن به نیکی نمی‌نگرند؛ اما شکلی معتدل‌تر دارد. هم‌چنین، در باورهای زُوانی، گیتی ساخته دست اهریمن است؛ در حالی که در دین زردشت، جهان را هرمزد می‌آفریند و اهریمن است که به بدان می‌تازد و آن را می‌آلاید. هم‌راهی دین و دولت نیز از باورهای زردشتی است که به

نظر می‌رسد این باور در اندیشه زُروانی پذیرفتنی نیست. نیز در دین زردشت، اهریمن ذاتاً بد است؛ اما به باور زُروانیان، اهریمن پلیدی را برمی‌گزیند.

آن‌چه درباره اندیشه‌های زُروانی گفته شد، با مطالعه در متن‌هایی چون مینوی خرد، بن‌دهش و وزیدگی‌های زادسپرم، به خوبی آشکار می‌شود و نگارنده در هنگام سخن گفتن از باورهای زُروانی، به این متن‌ها ارجاع می‌دهد و در توضیح اندیشه‌های زردشتی سره، به متن‌های بنیادگرا چون دین‌کرد، شکند گمانیک و زار و... استناد می‌کند. البته، اگرچه زُروان در متن مینوی خرد، بن‌دهش و وزیدگی‌های زادسپرم عامل آفرینش گیتی است و اندیشه‌های زُروانی در آن‌ها گستردگی دارد، هر مزد هم‌چنان خدای برتر است و اندیشه‌های زردشتی را نیز در آن‌ها می‌بینیم که این می‌تواند دلیلی بر انشعاب اندیشه زُروانی از دین زردشتی باشد.



نگارنده در این جا بایسته می‌داند سپاس ویژه خود را به جناب آقای اکبر قنبری، مدیر فرهنگ دوست نشر نگاه معاصر پیش‌کش کند و همین‌طور سپاس‌گزار باشد آقای امید سیدکاظمی را که به بهترین شکل ممکن، صفحه‌آرایی این اثر را انجام دادند. نیز باید دو یاور خود، سید عزیزرودبندی و خانم معصومه رمضانی را سپاس‌گزار باشد که متن کتاب را پیش از چاپ خواندند و نکات سودمندی را در ویرایش آن به بنده توصیه کردند. کام‌یابی و بدرودی همه گرامیان یادشده را آرزومند است.

حمیدرضا اردستانی رستمی

نوزدهم فروردین ۱۳۹۸

بخش نخست

زُروان و زُروان‌گرایی در فرهنگ ایران

اگرچه هدف اصلی در اثر پیش‌رو، بررسی نفوذ اندیشه زُروانی بر حماسه ملی ایران، شاهنامه، بوده است، ناگفته پیداست که باید پیش از هر سخن در این باره، در پی شناخت و معرفی ایزد زُروان و کیش در پیوند با آن برآمد؛ از همین روی، در بخش پیش‌رو که برآمده از هشت گفتار است، تاریخی کوتاه از دگرگونی‌های فکری ایرانیان دربارهٔ مبدأ خیر و شر تا رسیدن به ایزد زُروان و کیش زُروانی (که خاستگاه آن گات‌های زردشت است؛ آن‌جا که اهورامزدا در مقام سود و زیان‌رساننده و پدر دو مینوی پاک و ناپاک شناسانده می‌شود که برخی از او به ایزد زُروان تعبیر می‌کنند) پیش کشیده می‌شود. در پی، از آغاز اندیشه زُروانی در قرن چهارم پیش از میلاد که مطابق با عهد هخامنشی است و باور به ایزد زُروان که در رأس خدانشناسی مهری در دوره اشکانی قرار می‌گیرد و از اوج این اندیشه در دوره ساسانی (به گونه‌ای که مانی برای جذب شاپور یکم، خدای برتر خود را زُروان می‌شناسد) سخن به میان می‌آید. پس از این، از اسطوره زُروان و زادن هرمزد و اهریمن از او، جنسیت نر- ماده او، نقش زُروان (سر شیر بر تن انسانی که بر روی گره ایستاده و دارای بال است و ماری به دور آن حلقه زده است؛ در حالی که نیش خود را در سر شیر فرو برده و چیزهایی چون عصا و کلید در دست دارد) و نمادشناسی پیکره او که نشان‌دهنده خیر و شر در او است، سخن گفته خواهد شد. چنان‌که گذشت، مانع ایزد زُروان را خدای برتر خود

می‌داند که این اعتقاد، پیوند کیش مانی را با باورهای زُزوانی می‌رساند؛ پس در گفتاری به همانندی‌ها، هم چون باور به اندیشه‌های گنوسی در دو کیش، پرداخته خواهد شد. در ادامه، بازتاب زُزوان و زُزوان‌گرایی در اوستا و متن‌های پهلوی می‌آید. ستیز آذر (آتش) در زامیادیشْت با اژی (اژدها) آبی سرشت، یادآور هرمزد و اهریمن است که در متن زُزوانی علمای اسلام از آتش و آبی پدیدار شده‌اند که زمان آفریده است. جدایی ماهیت پیام‌بری و پادشاهی در وندیداد که از آن دو، جمشید پادشاهی را برمی‌گزیند، تداعی‌کننده مینوی بودن پیام‌بری و اهریمنی بودن پادشاهی در کیش زُزوانی است؛ چنان‌که در متن صد در بن دهش، جمشید، خود برگزیدن پادشاهی را به راه اهریمن رفتن خوانده است. در متن پهلوی بن دهش، یکی از ویژگی‌های هرمزد «جدا دُشمن» است. این بدان معنی تواند بود که هرمزد با اهریمن پیوستگی داشته و سپس از او جدا شده است؛ همان‌گونه که در اسطوره زُزوان می‌بینیم. در متن ماه فروردین روز خرداد نیز خداوند نخست‌آفریده را «جان جهانیان» می‌گوید که با توجه به متن بن دهش، وزیدگی‌های زادسپرم و علمای اسلام که در آن‌ها زمان عامل بنیادین آفرینش خوانده می‌شود، ممکن است مقصود از جان جهانیان زُزوان باشد. در گفتار پایانی بخش نخست، زُزوان (زمان) در این عبارت: «الْوَقْتُ سَيُفْ قاطع» که متصوفاً بسیار به کار برده‌اند، نموده شده است. در متن‌های عرفانی، وقت یا همان زمان، شمشیری است که از کناره‌ای نرم (هرمزدی) و لبه‌ای بُرنده (اهریمنی) شکل گرفته است. در این تعبیر، نشانه‌هایی از دو بُعد وجودی ایزد زُزوان را می‌یابیم.

یگانه پرستی و دوئین‌گرایی

ایران سرزمینی کهن است که از گذشته باستانی خود تاکنون، دین‌ها، کیش‌ها و نحله‌های فکری بسیاری را در خود پروریده است. با مطالعه و جست‌وجو در دین‌های کهن ایرانی، درمی‌یابیم یکی از امور عمده که پیوسته ذهن ایرانیان را مشغول می‌داشته، پرسش‌هایی درباره نیکی و بدی جاری در جهان و چه‌گونگی خاست‌گاه و صادرکننده آن بوده است. مطابق با گات‌ها، کهن‌ترین سروده ایرانی، می‌توان زردشت را نخست کسی دانست که می‌کوشد پاسخی درخور برای پرسش پیش‌گفته بیابد. در این گفتار، با توجه به متن‌ها و روایت‌های دینی، دگرگونی‌های تفکری ایرانیان درباره خاست‌گاه نیک و بد پی‌گرفته می‌شود.

۱.۱. دو مینوی هم‌زاد

آن‌چنان‌که از گات‌ها برمی‌آید، زردشت نخست ایرانی است که از دو مینوی هم‌زاد، سپنت مئینیو (-Spənta.Mainyu) و انگر مئینیو (-Angra.Mainyu) سخن به میان می‌آورد که در اندیشه، گفتار و کردار در تقابل با هم‌اند و با یک‌دیگر گفت‌وگو می‌کنند؛^۱ در حالی که اهورامزدا^۲ در رأس آن‌ها است^۳ و البته گفت‌وگوی میان آن‌ها، درباره سرشت یک‌سره ناسازگار آن دو مینو است؛ چنان‌که مینوی پاک به

ناپاک می‌گوید که آن دو در منش، آموزش، خرد، کیش، گفتار، کردار، دین و روان، متضادند.^۴ زردشت بر این گمان است که اسطوره دو مینوی ستیزنده، برای شنوندگان او فهم‌پذیر است و از این روی، خود را به هیچ‌گونه توضیح و تفسیری ملزم نمی‌بیند و گویا چنین می‌پسندد که شنونده سخنش، تعبیر خود را از اسطوره داشته باشد.^۵ حقیقت امر آن است که خواننده سخن او، از یک سو با دوگانه مینوی پاک و ناپاک رویه‌رو است و از دیگر سو، با یگانه‌ای چون اهورامزدا که حدود اختیار و قدرت هریک از آن‌ها روشن نیست؛ پس این پرسش در ذهن پدیدار می‌شود که آیا همه کارها در دستان آن یگانه است یا آن دو نیز در هستی دست دارند؟

۲.۱. اهورامزدا: بانی نیک و بد

اگرچه سخن پیشین زردشت تناقض‌آمیز جلوه می‌کند، این تناقض در دیگر موضع از گات‌ها بر طرف می‌شود؛ آن‌جا که زردشت، اهورامزدا را آفریننده خیر و شر می‌شناساند و سود و زیان را از او می‌بیند و همه چیز را به دستان پر قدرت او نسبت می‌دهد.^۶ این‌گونه نگاه به اهورامزدا که در واقع یک‌سان‌انگاری مبدأ و منشأ خیر و شر است، اگرچه به طور آشکار در گات‌ها آمده، در میان زردشتیان، کاملاً طرد شده است؛ زیرا آنان سرچشمه نور و تاریکی را جدا می‌پندارند و به دو آفریننده خیر و شر باور دارند.^۷

۳.۱. اهورامزدا: جانشین سپندمینو

در دگرگونی‌های پس از این، در اوستای نو، اهورامزدا از جای‌گاه یگانه خویش فرومی‌نشیند که پیش از این داشته است و او که ورای دو مینوی پاک و ناپاک است و همه چیز از دستان پرنیروی او صادر می‌شود، ناگاه موقعیت و رتبه‌ای چون سپندمینو می‌یابد و او را با لقب سپندمینو فرا می‌خوانند^۸ که آن تغییر را نخستین دگرگونی ژرف در ثنویت زردشتی دانسته‌اند و زمان این دگرگونی را عهد هخامنشی پنداشته‌اند که در منابع یونانی نیز بدان اشاره شده است.^۹ دقیقاً از همین هنگام است که ثنویت بسیار پررنگ‌تر می‌شود؛ زیرا اهورامزدا نه در مقام خدایی یک‌تا؛ بل که

با نام خدای نیکی، در برابر اهریمن قرار می‌گیرد که مینوی پلید است؛ بدین سان، اگرچه این باور به دوئین، در گات‌ها چندان پُررنگ نیست و زردشت خود را آشکارا ثنوی نمی‌خواند، در متن‌های پهلوی زردشتی، به روشنی این باور ثنوی را می‌بینیم: «و نسبت به این امر نیز بی‌گمان بودن که منشأ (اصل) دواست: یکی آفریننده و یکی ویران‌گر. او که آفریننده است، هر مزد است که همه نیکی و همه روشنی است. او را آن که ویران‌گراست، دروند گنّاک مینو است که همه بدتری و پُرمرگی است که دروج فریفتار است».^{۱۰}

۴.۱. کیومرثیه

دگرگونی در ثنویت بدین جا پایان نمی‌پذیرد؛ به این معنی که گروه‌هایی دیگر نیز در کنار ثنویان، چون کیومرثیه پدیدار می‌شوند. این فرقه برای باور است که اهریمن برخاسته از ذات اهورامزدا است. آنان به یزدان ازلی و همین‌طور اهریمن باور دارند و گفتند که علت به وجود آمدن اهریمن آن بوده است که اهورامزدا در خویش تن خویش اندیشید که اگر مرا ضدی باشد، آن چه‌گونه خواهد بود؟ از آن جا که اهورامزدا درباره‌ی هر آن چه اندیشد، آن چیز هستی می‌یابد،^{۱۱} از این اندیشه، چیزی ناخواستنی و ناپسند هم چون اهریمن پدیدار شد؛^{۱۲} بر این بنیان، این گروه هر مزد را نوری یک‌تا و سره می‌بیند که بخشی از آن با اندیشیدن یزدان، به تاریکی تبدیل می‌شود. در این باور، مینوی ناپاک، ازلیت و قدمت اهریمن دین زردشتی را دارا نیست و از همین روی، او حادث شمرده می‌شود.

۵.۱. زُزواتیه

در دنباله‌ی این دگرگونی‌ها، گویا گروهی آشکار می‌شوند که با درنگ در دو مینوی متضاد نخستین به این نتیجه می‌رسند که این دورا باید پدری باشد؛ بدین سان، آنان در جست‌وجوی یگانه‌ای برمی‌آیند که از آن، دوگانه‌ی اهورامزدا و اهریمن برخاسته است؛ بنابراین، از اهورامزدا بی‌که در گات‌ها سود و زیان از او برمی‌خیزد و بر همه چیره است، به ایزد زُزوان تعبیر می‌کنند و او را پدر دو مینوی

پاک و ناپاک می‌انگارند.^{۱۳} به باور زُزیر، کریستین سن، بویس و آشمویسن، پدیداری اسطوره زاده شدن اهورامزدا و اهریمن از ایزد زُزوان، ممکن است از همین بندهای موجود در گات‌ها برخاسته باشد.^{۱۴} در کتاب مفقود شده تئودور دو مویسوئست (Theodore De Mopsueste) نیز که در قرن چهارم و پنجم میلادی می‌زیست و فوتیوس (Photios) برگزیده‌ای از نوشته‌های او را می‌آورد، زردشت آورنده کیش زُزوانی دانسته شده است؛^{۱۵} اما در مقابل، نیبرگ و جلالی مقدم این نظریه را نمی‌پذیرند و بر این باورند که اگر زردشت شکل دهنده این کیش است، چرا در گات‌ها او را شیفته اهورامزدا می‌یابیم؛ اهورامزدایی که بی‌گمان در گات‌ها بزرگ‌ترین خدا است. آنان می‌گویند که اگر زردشت به اصلی والا تر باور داشت، دست‌کم یک بار باید از آن بنیان برتر سخن به میان می‌آورد؛ نه این که اصل برتر را رها کند و به اهورامزدا بپردازد؛^{۱۶} از همین روی، پژوهندگانی بر این باورند که کیش زُزوانی، آیینی متعلق به پیش از زردشت بوده است. نیبرگ در این باره می‌نویسد: «آیین زُزوانی صورت ویژه‌ای است از دین مادی مغان، پیش از فرارسیدن دین زردشتی. این دین، دین مغان است.»^{۱۷} بنویست نیز در همین باره آورده است: «در سرودهای گاهانی، در عین رد و انکار اصول ثنوی محض، از دو مینوی هم‌زاد سخن رفته که خود دلیل آن است که باور به زُزوان، یک آیین پیش از زردشتی است»؛^{۱۸} اما آشمویسن بر این باور است که ایزد زُزوان، در واقع از آن جا پدیدار می‌شود که اهورامزدا به جای سپند مینو می‌نشیند و به طور مستقیم با اهریمن نبرد می‌کند؛ پس دیگر نقش و مسئولیتی در آفرینش بدی و پلیدی ندارد؛ بدین سان، «از آن جا که به اشکال ممکن بود اهورامزدا را خالق و موجد بدی نیز بنامند، عقیده به زُزوان یا زمان پیش آمد»؛^{۱۹} بنا بر این سخن، کیش زُزوانی نه تنها قدمتی پیش از زردشتی نمی‌یابد؛ بل که آن را به دوره بسیار متأخرتر متعلق می‌انگارند.

بر پایه این آرای گوناگون، به هیچ روی امکان روشن ساختن تاریخ دقیق برای آغاز کیش زُزوانی فراهم نیست؛ اما شاید ممکن باشد تصویری کلی و مبهم از این نظام اعتقادی ایرانیان به دست داد. زُزوانیه در ظاهر تفکری است با نظام

تک‌خدایی که گویی شدت ثنویت زردشتی در آن کاسته شده است؛ اگرچه منبعی ارمی که حاوی مجادلات زُروانیه علیه مسیحیت است، دیدگاه ثنوی زُروانیه را نمایان می‌کند.^{۲۰} باید به این نکته اشاره کرد که پژوهنده ماهیت کیش زُروانی با گونه‌ای مشخص از آن روبه‌رو نیست و گونه‌هایی متعدد از اندیشه‌ها با محوریت زُروان می‌یابد. در عصر ساسانی که دوره اوج و رونق این کیش است، آن‌گونه که زُور می‌گوید، سه گونه پی‌رو زُروان می‌یابیم: (۱) گروهی که مادی‌گرا است و آفرینش را دست‌آورد زمان - فضای بی‌کرانه می‌پندارد و به جهان دیگر و پاداش و پادافره باور ندارد؛ (۲) جبرگرایان که به توانایی بشر در گزینش خوب و بد باور ندارند و همه چیز را زیر نفوذ خدایی قاهر و برتر می‌بینند؛ (۳) کسانی که می‌توان آنان را زُروانیان سره نام نهاد؛ همانانی که صرفاً زُروان را پدر دو مینوی هم‌زاد می‌پندارند و می‌پرستند.^{۲۱}

از تاریخ عهد ساسانی برمی‌آید که دست‌کم، دو گروه نخست را موبدان متعصب و پُرنفوذ سرکوب می‌کنند.^{۲۲} در این جا، باید به این نکته اشاره کرد که مطابق با متن‌های زردشتی، این دو گروه زُروانی، همان دهریانی‌اند که مردان فرخ آن‌ها را شماتت می‌کند^{۲۳} و مطابق با دین‌کرد سوم، از آن‌جا که بدی را هم‌چون خوبی به یزدان نسبت می‌دهند، دیوپرست و دیوآیین نام می‌گیرند.^{۲۴} باید افزود کسانی چون بنویست نیز دیوپرستی یا پرستیدن اصل شَر را در پیوند با کیش زُروانی می‌بینند. بنویست، به روایتی بسیار کهن استناد می‌کند که در آن، به مردمانی پی‌رو آیین زردشت اشاره شده است؛ مردمانی که به دو خدای هرمزد و اهریمن باور دارند و زردشت به آنان آموخته که برای این دو خدا فدیة و نذر آورند و هنگام کوبیدن گیاهی به نام Omomi در هاون، اهریمن و تاریکی را نیایش کنند و سپس آن گیاه کوبیده را با خون گرگ کُشته‌ای بیامیزند و به جای تاریک برند و پاشند. اکبری مفاخر این آیین را به پیش از روزگار زردشت متعلق می‌داند و بر آن است که در دین مزدایی، آیین نذرو قربانی در شباهنگام مطرود است و کوبیدن گیاه در حین ستایش اهریمن و آمیختن آن با خون گرگ که موجودی است شوم، عملی است بیرون از مزدپرستی؛^{۲۶} بنابراین، این اعمال، آن‌گونه که بنویست معتقد

است، در پیوند با کسانی بوده است که پرستش اصل شَر را جایز می‌شمردند که باید آن‌ها را پی‌روان کیش زُروانی خواند.^{۲۷} نیپرگ نیز این نظر بنویسند را تأیید می‌کند؛^{۲۸} اما زَفرای این دورا بی‌اعتبار می‌خواند و می‌گوید که اگر این اندیشه به زُروانیان متعلق است، از چه روی در آن روایت، به نام زُروان اشاره‌ای نشده است؟^{۲۹} از همه آن‌چه درباره نگرش ایرانیان به خاستگاه نیکی و بدی گفته شد، این نکته دست‌یافتنی است که به گونه‌ای میان یگانه‌پرستی (توحید) و دوئین‌گرایی (ثنویت) پیوند است و باید همه این باورها را دست‌آورد شخص زردشت یا پی‌روان او بپنداریم. زردشت اگرچه اهورامزدا را یگانه برتر می‌انگارد، عمده‌ترین پیام دینش، باور به دوگانگی در همه مراتب هستی است که این باور، ممکن است از دگرگونی‌های اجتماعی عصر پیام‌بر برخاسته باشد. به گفته گِزْشْمَن، زردشت در خاور ایران، در میان قومی یک‌جانشین و غیر مهاجر می‌زیسته است که پیوسته اقوام بیگانه بدان جا می‌تاخته‌اند. همین عامل شاید او را به این تأمل وامی‌داشته است که جهان را دو نیروی بنیادین صادرکننده خیر و شر اداره می‌کند^{۳۰} و چه بسا این اندیشه، به شکل‌گیری کیشی چون کیش زُروانی در روزگار خود زردشت یا پس از او (به وسیله پی‌روانش) می‌انجامد. از سوی دیگر، ممکن است زردشت یا زردشتیان، این اندیشه را که پیش از آنان در ایران رواج داشته است، با آرا و باورهای خود درآمیخته باشند؛ همان‌گونه که بسیاری از باورها و رسوم که در پیش از زردشت (مانند نوروز) در ایران حضور داشته است، راه خود را به درون دین زردشت می‌گشاید و زردشتیان به اجبار یا خودخواسته آن را پذیرا می‌شوند. می‌توان گفت زردشتیان، به همان شیوه، اندیشه زُروانی را وارد فضای فکری خود کردند؛ اما هم‌چنان اهورامزدا را خدای برتر خویش شمردند که این مسأله کاملاً در متن‌های زُروان‌گرای زردشتی (بن‌دهش، وزیدگی‌های زادسپرم و مینوی خرد) آشکار است؛ بنابراین، باید قوام اندیشه‌های زُروانی را حتی اگر به پیش از زردشت متعلق باشد و یا حتی در بیرون از مرزهای ایران تکوین و رشد یافته باشد، در دین زردشتی و متن‌های پیش‌گفته (بن‌دهش، وزیدگی‌های زادسپرم، مینوی خرد و...) بازجست و آن را نهضتی درون دین زردشت شمرد.